

## یهود در قرآن و سنت

(ترجمه)

قرآن کریم قصه‌ها و داستان‌های امت‌های گذشته را جهت عبرت گرفتن بیان داشته؛ چنان که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [یوسف: 111]

ترجمه: به راستی در سرگذشت آنان، به خردمندان عبرتی است.

در قرآن کریم داستان بنی اسرائیل به دلیل نافرمانی‌ها و جنایاتی که در حق انبیاء علیهم السلام و دیگران کردند، به وفور و در حالات گوناگونی بیان شده است.

کسی که قرآن بخواند و بر معانی آن تدبر نماید، به صراحت و وضاحت خواهد دید که یهودیان از اخلاق بسیار ناشایستی برخوردارند که در خور حساب نیست. قرآن کریم سرشت‌های ناشایست و رفتار پلید یهودیان را بیان داشته و آن‌ها را انسان‌های کفرپیشه، متکبر، بزدل، لجاج، دروغ‌گو، نیرنگ‌باز، نافرمان و متجاوز، حیوان‌صفت، شتاب‌گر در گناه و دشمنی و حرام‌خوار خوانده که به سبب این مواصفات و سایر رذالت‌ها از رحمت الله سبحانه و تعالی دور گشته، مسخ چهره شده، به بوزینه و خوک مبدل گشتند و مهر ذلت و فقر بر آن‌ها نهاده شد.

اگر انسان در طول تاریخ نظری بیفکند، خواهد دید که این مواصفات زشت یهودیان در قرآن، یقیناً که جنبه عملی داشته و با گذشت زمان، این مواصفات ناشایست در وجودشان ریشه‌دارتر شده و پست‌تر شدند، تا جایی که بسیاری از کشورهای مثل انگلیس، مجارستان، فرانسه، اتریش، اسپانیا، پرتغال، آلمان، شهرهای ناپل و میلان ایتالیا و... یهودیان را بیرون راندند. یهودیان مرتکب هر نوع گناهی شدند. برای وضاحت بیشتر چند نمونه را ذکر می‌نماییم:

• یهودیان عهد و پیمان خود را مکرراً شکستاندند. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿أَوْكَلَمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [بقره: 100]

ترجمه: آیا چنین نبود که هر بار آن‌ها (یهود) پیمانی (با الله متعال و پیامبر صلی الله علیه و سلم) بستند، جمعی از آنان آن را دور افکندند؛ حقیقت اینست که بیشتر آن‌ها ایمان ندارند.

• در حق الله سبحانه و تعالی بی‌حرمتی کرده و گفتند: عزیز پسر الله است؛ دست الله بسته است؛ الله ما را به این زشتی‌ها امر کرده است؛ چنان که قرآن بیان نموده است:

﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا﴾ [اعراف: 28]

ترجمه: و هرگاه کار زشتی کنند، (در توجیه آن) گویند: ما پدران خود را بر این کار یافتیم و الله ما را به آن دستور داده است.

• با الله سبحانه و تعالی و با فرشتگان و رسولانش اعلان دشمنی کردند و انبیاء علیهم السلام را به قتل رساندند؛ چنان که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ [بقره: 98]

ترجمه: هرکه دشمن الله و فرشتگان و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است و بداند که) الله دشمن کافران است.

• به دلیل کفر و کثرت گناهان شان مستحق عذاب دنیوی و اخروی شدند؛ الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ [بقره: 61]

ترجمه: این بدان جهت بود که آن‌ها به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند، و این به سبب آن بود که آنان گنهکار و سرکش و متجاوز بودند.

• حق را انکار کردند و بخاطر خودپسندی و حسادت، برای دیگران خیر را نپسندیدند؛ الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ [بقره: 105]

ترجمه: کافران اهل کتاب و هم‌چنین مشرکان، دوست نمی‌دارند خیر و برکتی از جانب پروردگارتان بر شما نازل گردد و به شما دست دهد.

و فرموده است:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَدُوا  
وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [بقره: 109]

ترجمه: بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند (به جانب کفر و به حال سابقی که داشتید!) با این که حقانیت (اسلام و درستی راهی که برگزیده‌اید، از روی خود کتاب‌های آسمانی شان) برای شان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائید و چشم‌پوشی کنید تا الله فرمان دهد (که در برابرشان چه کار کنید). بی‌گمان الله بر هر چیزی توانا است.

حرام‌های الهی را حرام شمرده و مؤمنان را به خاطر دین‌شان شکنجه نمودند و در میان خود گفتند:

﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهُ النَّهَارِ وَكُفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [آل عمران: 72]

ترجمه: جمعی از اهل کتاب (به همکیشان خود) گفتند: بدانچه بر مسلمانان نازل شده است، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز بدان کافر شوید، تا شاید (از قرآن پیروی نکنند و از آن) برگردند.

• با مکر و فریب، حرام را مباح دانسته و در روز شنبه شکار کردند، سود و اموال مردم را به ناحق خوردند و گفتند:

﴿قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [بقره: 275]

ترجمه: خرید و فروش نیز مانند ربا است، و حال آن‌که الله خرید و فروش را حلال کرده و ربا را حرام نموده است.

• به دیگران با چشم حقارت نگریسته و تجاوز بر آن‌ها را برای خود روا دانستند و گفتند:

﴿قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ﴾ [آل عمران: 75]

ترجمه: ما در برابر امی‌ها (یعنی غیر یهود) مسئول نبوده و بازخواستی نداریم!

• کتاب الله سبحانه و تعالی را پشت سر انداخته و نادیده گرفتند، از سحر و جادو و از تصورات شیطانی متابعت کردند، کلام الله سبحانه و تعالی را تحریف کرده و نصایح کتاب‌شان را فراموش کردند؛ الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرُقُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لِيَا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي

الدِّينِ﴾ [نساء: 46]

ترجمه: برخی از یهودیان سخنان را از جاهایش منحرف می‌گردانند (و کلام را از معانی اصلی به دور می‌دارند و وارونه و چندگونه و چندپهلوی صحبت می‌کنند)، و می‌گویند: شنیدیم (سخن تو را و به کار نگرفتیم!) و فرمان نبردیم (و جز عصیان نیفزودیم!) بشنو (سخنان ناروا و کاش نشنوی جز) ناشنیدنی را. و (می‌گفتند: ما را بیای (ولی) زبان را پیچ می‌دادند (و به جای: راعنا، راعينا، یعنی چوپان ما، یا راعناً، یعنی: نازیبا، می‌گفتند...) و (هدف‌شان) ریشخند دین بود (و نفرین رسول).

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [41/ مائده]

ترجمه: آنان کسانی اند که (در ضلال و عناد اسراف کرده‌اند) و (الله نمی‌خواهد دل‌های‌شان را (از کثافت کفر و شرک) پاک گرداند. بهره ایشان در دنیا خواری و رسوائی و در آخرت عذاب بزرگی است.

• به بزلی و حرص به دنیا متصف شدند و این را مصداق این قول الله سبحانه و تعالی می‌یابیم:

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ﴾ [بقره: 96]

ترجمه: و آنان را حریص‌ترین مردم بر زندگی (این دنیا) خواهی یافت (با انبیای شان مخالفت کردند، از پیامبرشان، موسی علیه السلام خواستند تا برای شان غیر از الله معبودی قرار دهد و از وی نافرمانی کردند و گوساله را به پرستش گرفتند).

از بزرگ‌ترین گناهان یهودیان، کشتن انبیاء علیهم السلام و حلال شمردن خون‌شان بود. بنابر این، آن‌ها به هیچ دینی صادق نیستند، برای هر دینی دشمن اند و در حق یک مؤمن هیچ پیوند خویشاوندی و پیمانی را مراعات نمی‌کنند. لذا چه کسی حضرت یحیی علیه السلام را به قتل رساند، سرش را از بدن جدا نموده و به بغاوت‌گری تقدیم کرد، و چه کسی شبیه عیسی علیه السلام را کشت و به دار آویزان کرد؛ به گمان این‌که او مسیح عیسی علیه السلام است و به این کارش افتخار کرد؟ پس عجیب نیست که یهودیان کشتارها به راه اندازند، اطفال، زنان و کهن‌سالان را به قتل رسانند، عبادت‌گاه‌ها، مکاتب و شفاخانه‌ها را با تمام کسانانش نابود کنند، خانه‌ها را بر سر ساکنانش ویران کنند و مانع رسیدن آب و ادویه به مریضان شوند.

این عملکردها، حقیقت نفسیه‌های بیمار و حیوانی آن‌ها را به تصویر کشانده و این وحشی‌گری‌ها، خوی و سرشت همیشگی آن‌هاست. از دلائل و شواهدی که عملکرد بد و زشتی اخلاق شان را در گذر زمان ثابت می‌سازد، برخورد و تعامل شان با رسول الله صلی الله علیه و سلم است. رسول الله صلی الله علیه و سلم با آنان پیمان بستند؛ ولی آن‌ها پیمان خود را نقض کردند. با دین الله سبحانه و تعالی جنگیدند، به مسلمانان نزدیک بودند و تلاش کردند تا در میان‌شان تفرقه‌اندازی کنند. حیثیت و آبرو را زیر پای کردند و دسیسه‌سازی کردند تا با زهر رسول الله صلی الله علیه و سلم را به قتل برسانند. با عهد و پیمان خود خیانت کردند و با احزاب توافق کردند تا دولت اسلامی را نابود کنند که با این عملکردشان مستحق هرنوع عذابی شدند. آن‌ها بر اساس گفته دانشمندشان، عبدالله بن سلام: «یهودیان قوم دروغگو بوده که هیچ پیمان و رابطه خویشاوندی را مراعات نمی‌کنند» چیزی بیش نیستند. یادمان نرود که با چشم سر جنایت‌های شان را در حق انسانیت در سرزمین فلسطین مشاهده می‌کنیم.

• الله سبحانه وتعالى برای ما بیان داشته که سرسخت‌ترین دشمنان به مسلمانان، همین یهودیان هستند؛ چنان که فرموده:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ [82 / مائده]

ترجمه: (ای پیامبر!) خواهی دید که دشمن‌ترین مردم برای مؤمنان، یهودیان و مشرکانند.

اساس درگیری‌های طولانی در طول تاریخ میان امت اسلامی و دشمنان‌شان، درگیری میان ایمان و کفر و درگیری خالص فرهنگی است. الله سبحانه وتعالى فرموده است:

﴿وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ [بقره: 120]

ترجمه: یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد؛ مگر این‌که از آئین (تحریف شده و خواسته‌های نادرست) ایشان پیروی کنی.

و فرموده است:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾ [بقره: 217]

ترجمه: پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئین‌تان برگردانند.

حملات صلیبیان کینه‌توز بر سرزمین‌های اسلامی و محاکم تفتیش قبل از آن در اندلس و کشتارهای وحشیانه آن، بهترین دلیل برای اثبات طبیعت این درگیری است. وقتی جنگ‌های شان همواره به شکست خاتمه می‌یافت و ذلیلانه از سرزمین‌های مسلمانان بیرون می‌شدند، غرب صلیبی دانست که نیروی امت بستگی به وحدت آن در تحت سایه دولت خلافت دارد، تصمیم گرفتند که باید خلافت را نابود کنند. پس این کفار گم‌شده خود را در میان گروهی از خائنان عرب و ترک - که به نهایت خیانت رسیده بودند- یافتند. این خائنان برای کافر استعمارگر آنچه را که غیرممکن می‌دید، ممکن ساخته و تحقق بخشیدند، از جمله:

- نابودی خلافت؛

- متلاشی ساختن سرزمین‌های واحد اسلامی به کشورهای کوچک بدون رهبری و تصمیم و حاکم گشتاندن کسانی که جز منفعت سرور استعمارگرشان چیزی نمی‌شناسند؛

- انگلیس، پدر کفر وعده بالفور را مبنی بر ساختن وطن ملی برای مردم یهود داد تا این وعده یک طرح استعماری، خنجر و سرطان خبیثی در پیکر امت و پایگاه پیشرفته‌ای برای غرب باشد تا مانع بازگشت خلافت شود. آن‌ها خواستند از این طریق مسلمانان را گمراه ساخته و نظرشان را از دشمن حقیقی یعنی صلیبیان استعمارگر منحرف سازند و دشمنان خود را بسوی دشمن ساختگی جهت دهند. این دشمن ساختگی همان حرکت صهیونیستی یا حرکت سیاسی یهودیت است که در اواخر قرن نوزدهم در وسط و شرق اروپا ظهور کرد و از یهودیان خواست تا بسوی سرزمین فلسطین هجرت کنند؛ با این ادعا که فلسطین، سرزمین پدران و اجدادشان است و این سادگی و غفلت است که میان صهیونیست‌ها و یهودیان و میان آنان و صلیبیان تفرقه وجود داشته باشد و خود را از یکدیگر شمارند.

این رژیم مسخ و دولت فاسد را از آن جهت ساختند تا مسلمانان غافلانه و جاهلانه مبارزه کنند، به یک دست با رژیم یهود بجنگند و دست دیگر را بسوی کسانی دراز کنند که حامی این رژیم بوده و همواره با مال و سلاح و تصامیم بین‌المللی یاری شان می‌کنند! لذا، هرکسی در این نبرد شکست خورد، خیلی احمق و نادان است.

این همه بسیج‌های نظامی قوی و کشتی‌های جنگی از سوی تمام کشورهای صلیبی، حمایت از یهود با مال و سلاح، حمایت سیاسی، گمراه‌سازی رسانه‌ای و سرپوش گذاشتن به تمام جنایات یهود، بهترین دلیل برای اثبات دشمن حقیقی در پشت سر یهودیان است.

هرکس اصل قضیه را بداند و علت بیماری را تشخیص دهد، بدون شک درمان و دوا را هم می‌شناسد؛ پس تنها راه‌حل، گرفتن قدرت تصمیم‌گیری از آجندا و دست‌نشانده‌های استعمارگر، تحریک جیوش برای ریشه‌کن نمودن این سرطان، جهاد و بسیج کردن نیروهای بزرگ امت تحت پرچم **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ** (صلی الله علیه وسلم) می‌باشد تا دوباره سروران دنیا شویم و مصداق آیت مبارکه بهترین امت شویم و به شرف دنیا و آخرت نایل گشته و پیروز گردیم:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ﴾ [انفال: 24]

ترجمه: ای مؤمنان! فرمان الله را بپذیرید و دستور پیامبر او را قبول کنید؛ هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی (مادی و معنوی و دنیوی و اخروی) بخشد.

برگرفته شده از شماره 471 جریده الرایه

نویسنده: الشیخ سعید رضوان أبو عواد (أبوعماد)

مترجم: محمد مزمل